

کارگران جهان متحد شوید! -

پیام ۸ مارس از قلب جامعه ایران

از تهران تا سندج و از مشهد تا بوکان انسانیت اعلام کرد که:

ستم بر زن محکوم است!

نابرابری حقوقی زن و مرد محکوم است

آپارتاید جنسی محکوم است!

قتل ناموسی محکوم است!

جنگ افروزی و ایجاد فضای جنگی محکوم است!

زن خانه دار برده بی جیره و مواجب سرمایه داری است!

رهبران کارگران شرکت واحد باید فوراً آزاد شوند!



برای مشروح گزارش ها به سایت های حزب یا iran-tribune.com مراجعه کنید

روز جهانی زن در سندج!

صدایی متفاوت در مقابله با آهنگهای گوش خراش و دلگیر، در سالن سینما بهمن سندج!

امروز ۱۶ اسفند ۷ مارس زنان و مردان آزادیخواه سندج روز جهانی زن را گرامی داشتند.

صفحه ۴

منصور حکمت

سرنگونی، انقلاب و سوسیالیسم، نامه به حمید تقوایی و فاتح شیخ

کوروش مدرسی

سیاست ما در اعتراضات به خطر حمله آمریکا به ایران در خارج

صفحه ۴

امان کفا

اعدام، تروریسم دولتی و ارباب

صفحه ۲

ضمیمه : سازمانده کمونیست شماره ۱۰۵

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

جمعه ما منتشر میشود



حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سر دبیر: کوروش مدرسی ۱۹ اسفند ۱۳۸۴ - ۱۰ مارس ۲۰۰۶

www.hekmatist.com

کوروش مدرسی

خیلی ممنون آقایان، مردم ایران چلبی لازم ندارند

تند شدن سیاست آمریکا در قبال جمهوری اسلامی و

گسترش دامنه جنگ طلبی آن کل اپوزسیون راست ایران را که در مداراتی به دور سلطنت طلبان میگردند را دوباره به صرافت انداخته است که سفره دوخته برای کمک های آمریکا را دوبار پهن کنند و فعالانه تر در مسابقه سرنگونی جمهوری اسلامی در هماهنگی با "جهان متمسدن" آقای پهلوی، که نام مستعار دولت آمریکا است، شرکت کنند. این سیر اما به سرنگونی جمهوری اسلامی منجر شود صفحه ۳

فاشیست ها در

میزنند.

محمد فاتحی

هفته گذشته یک نهاد قوم پرست با عنوان "سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان" به تغییرات ملی، قومی، مذهبی، زبانی، فرهنگی و اخلاقی در بافت "خالص کردی" شهر سندج اعتراضیه ای صادر کرد.



m.fatahi@gmail.com

"ارامنه" در قرن قبلی را به رسمیت بشناسند، و به این ترتیب برای تعرضات آتی گترکهای خاکستری ادله و سند تاریخی ساختند.

این "پیشروی" های سیاسی با شعارهای "مرگ بر ارمنی" در راهپیمایی به بلندبهای اطراف قبر بابک خرم‌دین تکمیل شدند. آن زمان خاتمی فرمان میراند و دوران فعالیت نهادهای ناسیونال

اسلامی بود، و همه فکر میکردند اینها علف‌های هرز زمین اصلاحات در اسلام اند. نتیجتاً کسی جایگاهی برای صفحه ۲

قبل از این هم البته اعتراض فاشیست های ترک علیه کم شدن "دوز" ترکی ارومیه و ازدیاد "بی رویه" جمعیت ارمنی و کرد ارومیه را شنیده بودیم. مردان آقای چهرگانی نسبت به رشد "بی رویه" جمعیت کرد زبان در ارومیه هشدار داده و آنرا خطری برای تغییر در بافت جمعیت ترک در "آذربایجان جنوبی" محسوب کردند.

جمعیتها و نهادها و شخصیت های دوم خردادی آذربایجان هم از پرزیدنت خاتمی خواستند تا مظلومیت "ملت آذری" در قتل عام شدنش توسط

اصائلو و همکارانش باید فوراً آزاد شوند!

۸ مارس سنندج

امروز مدافعین حقوق برابر زن و مرد، انسانهای شریفی که به کمتر از حقوق جهانشمول انسان رضایت نمیدهند اجتماع کردند تا هماهنگ با جنبش برابری طلبی در سطح جهان بار دیگر بر انسانیت پای بفشارند، تبعیض جنسی را محکوم کنند و تقسیم انسان به زن و مرد و قوم و زبان و مذهب را مردود اعلام دارند.

امروز در سنندج زنان و مردان آزادیخواه در اجتماع هزاران نفری خود، در سخنرانیهای فعالین زنان و در قطعنامه شان اعلام کردند که خواهان جامعه ای عاری از ستم و تبعیض و نابرابری اند. خواهان جامعه ای فارغ از دغدغه تفرقه قومی و مذهبی اند و خواهان جامعه ای اند که در آن انسان و انسانیت مینا است.

کمیته سنندج حزب حکمتیست به همه مدافعان برابری زن و مرد و به همه شرکت کنندگان در مراسم با شکوه ۸ مارس سنندج درود میفرستد. دوستان!

شما بار دیگر نشان دادید که انسانهای جامعه ما شایسته بیشترین احترام، بالاترین حقوق انسانی و بیشترین رفاه و امنیت اند. شما نمایندگان حقوق برابر انسانها اعم از زن و مرد و کودک و فارغ از قومیت و جنس و زبان و فرهنگ و مذهب آید. درود بر شما عزیزان! و درود بر شما زنان و مردان تشنه آزادی و برابری و رفاه و خوشبختی.

جنبش ما، صدای شما، نور و امید در مقابل سرکوبگری ارتجاع، هیاهوی جنگی امپریالیست ها و تفلایهای غیرانسانی قوم پرست ها است. این جنبش شایسته بزرگترین احترام عمومی و توده ای است. این جنبش باید میلیونی بشود تا انسانیت در جامعه ما پیروز گردد.

زنده باد ۸ مارس

زنده باد آزادی و برابری

کمیته سنندج حزب

کمونیسیت کارگری -

حکمتیست

۱۶ اسفند ۸۴ (۷ مارس

۲۰۰۶)

در ملاء عام شلاق می زنند و بعد با جرتقیل دار می زنند.

این تصویر فجیع و غیر انسانی هیچ ربطی به "جرم" ندارد. این برای ارباب است. همه جا اقدام برای ارباب است و جمهوری اسلامی متخصص الهی این کار است. هر چوبه دار، هر جسدی که مقامات جمهوری اسلامی بالای دروازه های شهرو در محلات آویزان می کنند، تنها نشانی از رشد آن مبارزه ای است که جمهوری اسلامی هر روزه نیاز به سرکوب و ارباب بیشترش را احساس می کند. و در عین حال هر یک، گواهی دیگر از جرایمی که در فردای سرنگونی شان در دادگاههای مردمی باید پاسخگو باشند.

اقدام، که در آمریکا هم آقای بوش طرفدار آن است و آنرا تا آنجا که میتواند اجرا میکند، نشانگر پوچی توهم امید به دخالت سازمان ملل و آمریکا، است. وقتی که دست بوش و شرکا در تروریسم دولتی آنچنان عیان است هیچ آزادیخواه جدی یک لحظه هم به دفاعیات حقوق بشری شان وقتی نباید بگذارد. دروغ میگویند.

اما علاوه بر این، در ایران جمهوری اسلامی، آدمی را

فاشیسم ...

آن ندای فاشیستی قایل نشد.

بعدها سازمان زحمتکشان که از کومهله جدا شد، در شروع سال تحصیلی دانشآموزان کردستان را فراخواند که سر کلاسها، دسته جمعی، همکلاسیها و معلمین غیر کرد زبان شان را یک هفته تحریم کنند. آن روزها هم مردم پیام فاشیستی آن سازمان را خیلی جدی نگرفتند.

البته آن روزها فدرالیته کرد، یا عراقیتره کردن ایران هنوز طرحی در دستور آمریکا نبود، کنگره اقوامی برای عملی کردنش موجود نبود، بودجه ای برایش تخصیص داده نشده بود، تفنگ و بمبی برایش کنار گذاشته نشده بود. هنوز نمونه عراق پیش چشم کسی نبود...

پیام و هشدار نهاد "حقوق بشری کردستان" اما امروز متفاوت است. متفاوت است به دلیل حمایت قدرت مالی و نظامی که در پشت آن قرار دارد. به دلیل وجود یک جبهه قومی فدرالیست از خوزستان تا آذربایجان و کردستان که برای عملی کردنش بسیج شده اند.

اگر این اجازه بدهیم این طاعون مردم را گرفتار کند، از همین فردا، همسایه باید همسایه را بپاید تا تغییرات احتمالی در باورهای قومی و مذهبی اش در کم رنگ شدن و مخلوط شدن خون قومی آنها را به "سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان" گزارش کند. همکلاسی باید همکلاسی را زیر نظر بگیرد تا در مورد نفوذ دژوم ترک کرد، قوم ارمنی در ترک و

قوم کرد در ترک به بنیاد های مربوطه گزارش دهد. برادر خواهر را، و خواهر برادر را دقیق وارسی کند تا متوجه تغییرات اخلاقی طرف برای ارائه یک گزارش به نهاد نامبرده باشد. و اگر فرجه ای دست دهد، فعالین این نهاد برای ثبت هویت خونی و زبانی مردم کوچه به کوچه و خانه به خانه میگردند.

اینها همه دارند باهم خود را برای پاکسازی قومی، برای اعدام های دسته جمعی پرمبانی قومیت و مذهب آماده میکنند. سارا، یو، و تجاوزات وسیع در بوسنی در خاطر همه زنده است. بر خانه های مسکونی، خیابانها، آب، برق، تلفن، جاده، مدرسه، دانشگاه و محل کار همان خواهد رفت که امروز در عراق جلوی چشم همگان میروید.

نکته "جالب" اینکه این هشدار فقط کارگر، دانشجو، کارمند و آدم های دیگر غیر کرد دیگر، که باید فوراً بار و بندیل شان را برای پرهیز از دست اندازیهای مسلحانه ببندند، در بر نمیگیرد. میلیون ها مردم خود کردستان هم مشمول این تهدیدات میشوند. همه زنان و مردانی که فرهنگ قهرمانان تاریخی قومی نظیر شیخ محمود و اسماعیل سمیتفورا به زمان سپرده اند، همه جوانان برابری طلبی که "جهالت ناموس پرستی کردی" را برای "کردهای اصیل" کنار نهاده اند، همه آنها که سنی گری "کردی" را نشان جهالت و حماقت میدانند. همه این ها مورد تهدید هستند.

در حاشیه مباحث مربوط به سازماندهی گاردی، یک سوال مداوم ناسیونالیست ها و قوم پرستان کرد این بود که

گارد آزادی، برای سرکوب "ملت کرد" سازماندهی میشود. حالا که طرح اینها به عنوان سخنگویان "ملت کرد" به روشنی به جامعه اعلام میشود، باید اعتراف کنم که سازماندهی گارد آزادی اساساً برای مخص کردن واحدهای مسلح این قوم پرستان از انجام وظایف قومی شان است.

منتها این کافی نیست. مردم همین امروز، در هر کوچه و برزنی باید اینها را به عنوان چنانچه کاران بالقوه که خیال اعدام و تجاوز و ویران جامعه را دارند، بنگرند.

کسی که نمیخواهد به دام جنگ قومی اینها بیفتد، کسی که نمیخواهد همسایه و همکارش را با این توجیهات روانه قبرستان های دسته جمعی کند، راه دارد؛ باید از همین امروز، نسبت به

طرح های پاکسازی فدرالیست ها هشیار باشد. و این اصلاً کافی نیست. باید سراغ همسایه، همکار و همکلاسی رفت، و گفت که چه نقشه هایی برای جنگ قومی و مذهبی ریخته شده است. باید دست در دست هم گذاشت، پیمان وحدت انسانی بست، به جداسازی های ملی، قومی، دینی و فرهنگی، و به اخلاق ابدال فاشیستها تف کرد. باید این جماعت فاشیست را ایزوله و طرد کرد.

ضرورت فوری سازماندهی واحدهای گارد آزادی از همینجا سرچشمه میگیرد. در این کار، یک لحظه نباید درنگ کرد، مسلح شوید و به واحدهای گارد آزادی در قلب شهرها بپیوندید، آنوقت ابزار مقابله با این سناریو سیاه را خواهیم داشت.

تماس با حزب

کورش مدرسی لیدر حزب

koorosh.modarresi@gmail.com

+44(0)7748 630833

رحمان حسین زاده معاون لیدر حزب

husienzade_r@yahoo.com

+46 73 98 55 837

فاتح شیخ رئیس دفتر سیاسی

fateh_sh@yahoo.com

+46-704 717 512

عبدالله دارابی فرمانده سراسری گارد آزادی

darabi.a@mail.com

Tel: 0046704752163 داخل

aqolchini@yahoo.com

+44 794 041 6768

بهرام مدرسی کمیته داخل

bahramsik@yahoo.com

+49 174 944 02 01

خالد حاج محمدی کمیته داخل

h_moradbeigi@yahoo.com

+447916213634

+46762737560

نسان نودینیان دبیر

تشکیلات خارج کشور

Nasan_nodininian@yahoo.de

+44(0) 781 590 22 37

اسد گلچینی دبیر کمیته

mkazvini@hotmail.com

+45 51603121

تولوز یون پر تو

mostaf.asadpoor@gmail.com

نه قومی، نه اسلامی، زنده باد هویت انسانی!

نامه منصور حکمت...

دانشتن انقلاب موضع رسمی ما نبوده است و بشدت دست و بال سیاسی ما را میبندند و ما را به یک سیر از میان چندین سیر محتمل میخکوب میکند.

سرنگونی را پیش بینی کرده ایم، اما انقلاب را لزوما نه. "انقلاب در شرف وقوع ایران از این اصل مستثنی نیست" شعار جمههوری سوسیالیستی در واقع بیان توده گیر تر شعار حکومت کارگری در شرایط انقلابی امروز ایران است. فکر نمیکنم بشود شرایط امروز ایران را شرایطی انقلابی توصیف کرد اما شعار ما برای شرایط مبارزه وسیع برای سرنگونی است. حتی اگر انقلابی در کار نباشد.

"جمههوری سوسیالیستی تنها با انقلاب میتواند برقرار شود چون رژیم ایران با زبان خوش کنار نمیبرد." انقلاب تنها آلترناتیو "زبان خوش" نیست. رژیم ایران باید با قهر سرنگون شود. اما هر قهری لزوما انقلاب نیست.

در این انقلاب طبقه کارگر تنها نیست. اکثریت عظیم جامعه یعنی زنان، جوانان و بخشهای وسیعی از اقلات محروم شهری در این انقلاب کنار کارگرانند. برای سرنگونی شاید این تصویر درست باشد (هرچند جوانان و زنان هم تقسیم خواهند شد) اما در انقلاب برای تبدیل رژیم اسلامی به آخرین رژیم سرمایه داری، اتفاقا بنظر من کارگران اکثریت عظیمی را همراه خود نخواهند داشت.

خلاصه کلام، این مطلب راجع به محتوایت انقلاب است و شعار جمههوری سوسیالیستی را از آن نتیجه میگیرد. مطلوبیت انقلاب، حتی محتمل بودن آن، یعنی واقعی بودن احتمال آن، خیالی نبودن آن در ایران امروز، میتواند موضع حزب باشد. اما حتمی

یا نشود، که بعید است بشود، منجر به خانه خرابی مردم ایران و عراقیزه شدن اوضاع ایران خواهد شد.

حدود ۳ سال پیش آقای پهلوی و اپوزیسیون راست را همین گرمای تنور آمریکا دوباره به حرکت در آورد و بجای "کنگره ملی" شان "شورای رهبری" را پیش گذاشتند که همی موقع جواب شان را دادیم. امروز بعنوان پیش درآمد پاسخ به تحرک جدید راست باید از همان پاسخ شروع کرد.

خیلی ممنون آقایان، مردم ایران چلبی لازم ندارند

داستان سر راست است: انتظار دارند ائتلاف اینها را ارتش آمریکا در تهران به قدرت برساند. اما اسکورت مستقیم سلطنت طلبان سر راست و جمههوری خواهان طرفدار سلطنت به تهران توسط ارتش آمریکا زیادی رنگ ۲۸ مردادی دارد. که آقای پهلوی میگوید از آن درس گرفته است.

در نتیجه تکان جدیدی به طرح رفتارند داده اند و از بغل و بطور ضمنی پای رفتارند کننده را به میدان میکنند. ظاهرا بحث در مورد شورای رهبری (رهبری چه؟ بماند) است. اما در پایه تلاشی برای تکرار جنگ آمریکا علیه عراق در ایران است. البته این را خودشان مستقیم نمیگویند اما چک کردن آن ساده است.

آمریکا را از سناریو به قدرت رسیدن راست، حذف کنید ته دیگ یک طرح کودتای باقی میماند که اصلا بحث در مورد آن را باید توهینی به شعور مردم ایران دانست.

تصور کنید، بدون فاکتور آمریکا، قرار است با وجود جمههوری اسلامی مردم از میان لیست مثلا ۱۰ یا ۱۵ نوع حکومت، حکومت مورد نظرشان را "تیک" بزنند (یعنی همان رفتارند مشهور را انتخاب دهند). بعد از روشن شدن اینکه مردم جمههوری اسلامی را نمیخواهند "برادران" سپاه، مامورین بی نام و نشان امام زمان و گله حزب الله، اتیکت سیاسی را رعایت کنند با ایراد خطابه ای شکست را بپذیرند، قبول کنند که مردم حکومت خدا را کرده اند، با از روی موقفیت دفنتر و دستک و حساب های بانک و اسلحه شان را تحویل میدهند و دنبال کارشان میروند!

این سناریو کودکانه تر از آن است که بتوان قبول کرد کسی آنرا جدی میگیرد. فاکتور آمریکا در متن مفروض است و همه شان هم میدانند اما کسی در مورد آن بحثی نمیکند. همه میدانند جمههوری اسلامی نمیروند، باید آنرا انداخت. اما پذیرش رسمی این حکم بدیهی اپوزیسیون راست را با مسئله جدی تری روبرو میکند. میدانند جمههوری اسلامی باید بیفتند اما نمیخواهند مردم آنرا ببنادازند. اگر مردم جمههوری اسلامی را ساقط کرده باشند، بعید میدانم در اردوی سلطنت یک نفر فکر کند که مردم قیام کرده برای شاهزاده یا شورای اش فرش قرمز پهن میکنند.

اگر هم با هر "فعل و انفعالی" هم پای شورای آقای پهلوی به تهران رسیده باشد مردم در خیابان، مردم

به قدرت رسیده را تنها با یک ضد انقلاب خونین میتوان دوباره به خانه فرستاد که از عهده جریان راست بر نمی آید و قطعاً با شکست روبرو میشود.

... قدرت مردم را در قابلیت و نفوذ ما ضرب کنید، به معضل اپوزیسیون راست میرسید. در نتیجه باید قدرت را از بالای سر مردم بگیرند. تنها شانس واقعی به قدرت رسیدن شان این است. اپوزیسیون راست به نیروی خود شانس ندارد. شانسش ایش را باید از کس دیگری بگیرد و این کس امروز، بعد از جنگ عراق، آمریکا است.

اگر آقای پهلوی قبلا از افریقای جنوبی و منسلا و آگاهی هم خوان کارلس مثال می آورد امروز دیگر چلبی الگوی آقای پهلوی میشود. اما همان طور که گفتیم جرات طرح مستقیم آمریکا را ندارند.

تصور کنید میشد هنوز وانمود کرد که آمریکا واقعا بدنبال سلاح های کشتار جمعی به عراق رفته است. تصور کنید میشد گفت مردم عراق با آغوش باز از آمریکا استقبال کردند. تصور کنید هنوز میشد ادعا کرد که ما نه با اشغال عراق بلکه با آزاد سازی آن روبرو هستیم. تصور کنید هنوز زورنالیست های نوکر میتوانستند گزارش کنند که بمبی روی مردم ریخته نشده، شیرازه گسیخته نیست. تصور کنید میتوانستند ادعا کنند که زنان در عراق آزاد شده اند و اسلام سیاسی پس زده شده. تصور کنید میشد ادعا کرد که کودکان زیر حاکمیت دارو دسته های مذهبی، قومی و عشیره ای شاد هستند و به تباهی فیزیکی و معنوی رانده نشده اند. تصور کنید

میشد گفت آمریکا برای مردم عراق جز تباهی چیزی را به ارمغان آورده. تصور کنید میشد پنهان کرد که بزرگترین تظاهرات تاریخ بشر توسط بشریت متمم در دنیا و در همین غرب علیه سیاست آمریکا انجام شد. تصور کنید نفرت عمومی مردم در دنیا از سیاست آمریکا را میشد سرپوش گذاشت، میشد همراه با جمههوری اسلامی دسترسی مردم به اطلاعات "نا مطلوب" را ناممکن کرد.

آنوقت اپوزیسیون راست ما ناچار از اینهمه پیچ در پیچ زدن نبود. مثل جناح افراطی، و ابله، خود دستش را رو میکرد، اعلام میکرد که معلوم است که جمههوری اسلامی را باید انداخت. مردم لازم نیست خود را به زحمت ببنادازند، آمریکای رهائی بخش این کار را میکند ما باید جمعی را درست کنیم،

ما باید پارلمان موقت در تبعید برای آمریکا بسازیم، جمعی را آماده کنیم که پشت سر آمریکا قدرت را در کنترل ما و طبقه ما نگاه دارد. عکس های آقایان بوش و رامسفلد بر سر در ساختمانها نصب میشد.

اما این کار را نمیشود کرد. مردم ایران عراق را دیدند. مردم ایران در مقابل چشم خود پاشیدن شیرازه زندگی مردم عراق را دیدند. مردم ایران دیدند دنیای متمم علیه این سیاست ایستاد. ...

نمیشود با پرچم آمریکا وارد معرکه شد باید با دایره و دینک رهبری بی دم یال اشکمی را اعلام کرد که هدفش چیز دیگری جز رهبری است. شورای رهبری پیشهادی آقای پهلوی ربطی به رهبری مبارزه مردم ندارد. از گرد آوردن نیروهای سیاسی مختلف گذشته، شانس گرد آوردن جناح های مختلف اپوزیسیون راست، و حتی شعب مختلف سلطنت طلبان، را هم ندارد. خود چلبی و رامسفلد هنوز که هنوز است نتوانسته اند چنین شورائی را در عراق سرهم کنند. این واقعی نیست. این یک پیشخوان یا بقول انگلیسی front است. پیشخوانی برای جلب حمایت مادی و سیاسی و عملی دولت آمریکا در بکارگیری سیاست آمریکا در ایران را دارند فراهم میکنند.

آقای پهلوی دارد الگوی چلبی را دنبال میکند. اما دنبال کردن الگوی چلبی اوج لاقیدی اینها به سرنوشت مردم ایران را نشان میدهد. آنچه در عراق اتفاق افتاد بازی کودکانه ای نسبت به فاجعه ای که اینها میخواهند آمریکادر ایران بیافریند خواهد بود. قرار است هزاران تن بمب بر سر مردم ایران ریخته شود، قرار است بنیادهای مدنی در هم شکسته شوند، ایران است هر بخش و گوشه این کشور بدست یک دار و دسته قومی یا مذهبی داده شود. قرار است ایران را عراقیزه کنند تا به قدرت برسند.

آقای پهلوی الگوی چلبی را انتخاب کرده است اما همین الگو دامنه انسانیت، دمکرات منشی و آزادی خواهی و به اصطلاح بیزاری ایشان از خشونت را هم نشان میدهد. آقای پهلوی بعنوان رهبر ارثی جناح راست متوجه دو تفاوت ایران با عراق نیست. در ایران مردم فی الحال در میدان هستند و علی رغم آلرژی جریان راست نسبت به انقلاب یک جنبش انقلابی در جریان است. چپ و کمونیسیم در ایران قدرتمند است. از من بپذیرید که مردم ایران به چلبی نیاز ندارند.

سیاست ما در اعتراضات به خطر حمله آمریکا به ایران در خارج کشور

تبلیغات جنگی آمریکا علیه ایران ربطی به دلسوزی این دولت برای مردم ایران و مقابله با اسلام سیاسی ندارد. این سیاست ادامه دکتورین ضربه پیشگیرانه (Pre-emptive strike) است که مطابق آن دولت آمریکا خود را مجاز میداند که هر دولت یا کشوری که پتانسیل به خطر انداختن منافع آمریکا را داشته باشد را قهر آمیز سرکوب کند که تنها دامن رژیم های ارتجاعی نظیر جمهوری اسلامی را نمیکشد بلکه سنگ بنای سیاست تعرض نظامی به هر نظام آزادیخواه در جهان است.

این سیاست که رکن اساسی سیاست بین المللی آمریکا شده است، ادامه همان سیاستی است که حمله به عراق را توجیه و ضروری کرد. این سیاستی است که

دنیا را به کام تباهی کامل فرو خواهد برد.

بشریت متمدن باید در مقابل این خطر به ایستد و نباید اجازه دهد که دولت آمریکا با پاندازی امثال تونی بلر بتواند این بار مردم ایران و مردم کل منطقه را در ابعادی که تاریخ به یاد ندارد به خاک سیاه بنشانند.

باید دست آمریکا را از دخالت در زندگی مردم ایران کوتاه کرد. این کار به مردم ایران اجازه خواهد داد که خود تکلیف جمهوری اسلامی را روشن کنند. جنگ افروزی دولت آمریکا بهترین خدمت به بقای جمهوری اسلامی است.

پرای مقابله با خطر حمله آمریکا به ایران باید توده هرچه وسیعتری از انسان های شرافتمند و آزادیخواه را در خارج کشور حول خواست ساده نه به جنگ افروزی آمریکا گرد آورد. اضافه کردن هر تبصره ای به این خواست ساده و روشن صف

خط ناسیونالیستی است که جناح میلیتانت تر و پیگیر تر این جنبش را تشکیل میدهد.

این نامه از جمله بر این واقعیت تاکید دارد که همانطور که ما توضیح داده ایم، آنچه که در حزب کمونیست کارگری خواب نما شدن انقلابی تقوایی و یا به "راست چرخیدن" کوروش مدرسی نیست. دعوائی دیرینه است. آنچه در حزب کمونیست کارگری رویداد دست بالا پیدا کردن سنت سیاسی آقای تقوایی بر سنتی بود که منصور حکمت مدافع و نماینده آن بود.

شماره: ۷۰۰۶

تاریخ: ۱۷ ژوئیه ۹۹

منصور حکمت

فاتح جان، حمید جان

مصاحبه را گرفتیم. بنظر من این مطلب حاوی تبیینی از مساله اوضاع سیاسی و استراتژی سیاسی حزب است که درج آن، نظر به اهمیت موضوع و اعتبار مصاحبه شونده، به افق سیاسی حزب و تلقی ما از روندهای آتی در ایران یک قالب نامنعطف و خشک تحمیل میکند. به این اعتبار این مقاله عملا یک اعلام موضع نهایی روی روند عملی اوضاع سیاسی بحساب خواهد آمد که بنظر من قرار مربوط به جمهوری سوسیالیستی چنین قصدی نداشت. من با این تبیین به این دلیل موافق نیستم که اوضاع آتی ایران را بشدت ساده میکنند و یک تصویر ابده آل از روندهای آتی را بجای کل احتمالات واقعی

کمونیست ۸۳

اعتراض را محدود و متفرق میکنند. هدف ما کمک به سازمان دادن وسیعترین اعتراضات توده ای در خارج کشور علیه این جنگ افروزی دولت آمریکا است.

از میان جریاناتی که تلاش دارند تا این اعتراض مردم را به زیر پرچم خود بکشانند باید به اسلام سیاسی اشاره کرد. این جریانات تلاش میکنند تا با دادن رنگ اسلامی و قومی به این اعتراضات از اسلام سیاسی و یا جمهوری اسلامی دفاع کنند و یا مماشات با این ارتجاع را توجیه نمایند.

آلودگی اسلامی این اعتراض لطمه مستقیم به اعتراض مردم علیه جنگ افروزی آمریکا، کمک با اشاعه و یا

مینشانند و لاجرم نوعی یکجانبه نگری و انعطاف ناپذیری و حتی ساده اندیشی در روش برخورد حزب ایجاد میکند. بگذارید توضیح بدهم.

تصویر مطلب حمید اینست. در ایران حتما انقلاب میشود. انقلاب جمهوری اسلامی را سرتگون میکند. طبقه کارگر، با حمایت اکثریت عظیم مردم جمهوری سوسیالیستی را برپا میکند. این تصویر غلط نیست، چون بهرحال یکی از حالات ممکن هست. اما درست نیست، چون حالات ممکن دیگری را منتفی میکند. نوشته، و سوال کننده، چند فرض دیگر هم دارند که جای سوال دارد.

اینکه انقلابی در ایران شروع شده و در شرف وقوع است، اینکه حزب کمونیست کارگری با اتخاذ این شعار انقلاب را محتوم اعلام کرده است. اینکه از این پرسه میتوان نیروها را به اردوی انقلاب و ضد انقلاب تقسیم کرد. اینکه این انقلاب یک انقلاب همگانی است. اینکه منظور از انقلاب، انقلاب علیه رژیم اسلامی است و با سرتگونی رژیم انقلاب هم پیروز میشود. این مفروضات همه بنظر من جای سوال دارد.

۱- بنظر من سرتگونی و انقلاب به یکدیگر گره نخورده اند. سرتگونی بدون انقلاب هم ممکن و محتمل است. سرتگونی میتواند حاصل یک روند نظامی، بحران و هرج و مرج، پروسه نافرمانی سیویل و فعل و انفعالات انتخاباتی و غیره هم باشد. میتواند حاصل پیروزی نادرست است. مثلا:

۴- شعارهای ما از جمله "نه به جنگ افروزی آمریکا!" و "دست دولت آمریکا از زندگی مردم دنیا کوتاه!" خواهد بود.

۵- ما تمام تلاش خود را برای جلب توده هرچه وسیعتری به چنین تظاهرات هائی انجام خواهیم داد

۶- در همان حال ما مخالف تظاهرات هائی هستیم که پلانفرم آن به اسلام سیاسی اوانس میدهد. ما در راه

اندازی، سازماندهی و فراخوان چنین تظاهرات هائی شرکت نمیکنیم. ما مردم را به شرکت در چنین تظاهرات هائی دعوت نمیکنیم.

ما بسته به موقعیت، ممکن است در هر اجتماع و تظاهراتی که در این زمینه تشکیل شود شرکت کنیم، که در این صورت هدف و سیاست ما همان بند های ۲، ۳ و ۴ فوق است.

۸ مارس ۲۰۰۶

"در اینکه انقلاب دیگری در ایران در حال شکل گرفتن است جای هیچ تردیدی باقی نمانده است"

بنظر من در اینکه مبارزه برای سرتگونی در ایران اوج خواهد گرفت جای تردید نیست. اما اینکه آیا این به یک انقلاب ارتقاء پیدا میکند جای تردید دارد. برای حمید انقلاب فرض است و سوال این است که "انقلاب چه سیری را دنبال خواهد کرد". بنظر من یک سیر محتمل اینست که کار به انقلاب نکشد، کودتا و ضد کودتا بشود. رژیم برود و مملکت وارد یک فاز پیچیده بی ثباتی سیاسی و کشمکش نظامی شود.

"ما با شعار جمهوری سوسیالیستی اعلام میکنیم که در انقلابی که در راه است کارگران سرمایه داری را همراه جمهوری اسلامی دفن خواهند کرد"

ما این را حتما میخواهیم. اما با این شعار چیزی راجع به حتمیت در راه بودن انقلاب و اینکه کارگران چه خواهند کرد نمیگوئیم، بلکه از حتمیت سرتگونی و اینکه ما چه میخواهیم حرف میزنیم.

"تکیه حزب بر این شعار مبتنی بر حتمی دیدن وقوع انقلاب و سرتگونی رژیم است" (متن خود سوال دوم).

مجاهدین، راست غربی و کمونیستها و غیره. با یک ضربه میدان را بدست نمیکیرند و خالی هم نمیکند. قیام اینبار به احتمال قوی در اوائل انقلاب رخ میدهد و نه اواخر آن.

برخی اظهارات در متن بیش از حد یکجانبه و بعضا

نیروهایی بجز یا علاوه بر نیروهای انقلابی هم باشد. بنظر من به احتمال قوی سرتگونی نه نتیجه انقلاب در ایران، بلکه یکی از لحظات شروع انقلاب در ایران خواهد بود. بنظر من انقلاب ایران با آغاز میشود و نبردهای طبقاتی جدی تر بعد از آن است. بنظر من در سرتگونی خیلی ها شرکت خواهند کرد، اما در انقلاب، کارگران "اکثریت عظیم مردم" را با خود نخواهند داشت.

۲- جمهوری سوسیالیستی هم به انقلاب علیه رژیم گره نخورده است. بنظر من اعلام جمهوری سوسیالیستی هم میتواند حاصل پیروزی نظامی، قاپ زدن قدرت در

خلا سیاسی، کودتا و هر چیز دیگری باشد. چرا که جمهوری سوسیالیستی میتواند بعنوان دولت دوره انقلابی، دوره بحران، ظاهر شود. ایجاد حکومت شورایی کارگری، پس از اعلام جمهوری، ممکن است کار سخت تری باشد. جنگ داخلی لازم داشته باشد.

تصویر حمید کمابیش تکرار پروسه انقلاب ۵۷ است. من این را محتمل ترین حالت میدانم. چون جناحهای جمهوری اسلامی و نیروهای سیاسی دخیل در ایران،

مجاهدین، راست غربی و کمونیستها و غیره. با یک ضربه میدان را بدست نمیکیرند و خالی هم نمیکند. قیام اینبار به احتمال قوی در اوائل انقلاب رخ میدهد و نه اواخر آن.

برخی اظهارات در متن بیش از حد یکجانبه و بعضا نادرست است. مثلا: